



به پیوست
متن اعلامیه جهان حقوق بشر و اعلامیه اسلام حقوق بشر

مجموعه صحیحی سردرود

برای پدرم

به خاطر دهها حق بزرگی که
مرا همیشه مدیون خود می دارد

- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
- صحتی سرد رودی، محمد، ۱۳۴۳ -
شرحی بر رساله حقوق امام سجاد علیه السلام به پیوست متن اعلامیه‌ی جهانی حقوق
بشر و اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر/ محمد صحتی سرد رودی.
قم: خادم الرضا علیه السلام، ۱۴۰۳.
۴۰۸ ص.
۹۷۸-۶۰۰-۲۰۶-۱۹۳-۵
- مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
- وضعیت فهرست نویسی
موضوع
موضوع
موضوع
- فیبا
علی بن حسین علیه السلام، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. رساله‌الْحَقُوق -- نقد و تفسیر
Ali ibn Hosayn, Imam IV. Resalah al- Hoquq -- Criticism and interpretation
اعلامیه جهانی حقوق بشر
Universal declaration of human rights
حقوق اخلاقی
Ethics - Ethics
حقوق بشر -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
Human rights -- Religious aspects -- Islam
- موضوع
- شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
اطلاعات رکورد کتابشناسی
- ۲۹۷/۲۱۸ :
۹۵۴۵۸۸۲ :
BP۲۴۸ :
۲۹۷/۲۱۸ :
۹۵۴۵۸۸۲ :
فیبا :

250000



به پیوست
متن اعلامیه جهانی حقوق بشر
و اعلامیه اسلامی حقوق بشر

مجلس حقوق بشر

www.ketab.ir

ناشر: انتشارات خادم الرضا
طراحی جلد و صفحه آرایی: مرتضی فتح الهی / چاپ: کوثر
صحافی: براتی / نوبت چاپ: اول - بهار ۱۴۰۳ / شمارگان: ۲۰۰ نسخه
برای اطلاع از قیمت به سایت انتشارات خادم الرضا مراجعه فرمایید:

khademolreza.com

۰۲۵ - ۳۷۷۲۱۴۲

شایک: ۵-۱۹۳-۲۰۶-۶۰۰-۹۷۸
جمع حقوق برای انتشارات خادم الرضا محفوظ است.

ارتباط با ما:

فرد خیابان منزهه پشتهای کویچه ۲۸، پلاک ۷۴

۳۷۱۹۵-۱۱۱۹

صندوق پستی



۰۲۵ - ۳۷۷۲۱۶۵ - ۳۷۷۲۱۴۲

۰۹۱۲ ۲۵۱ ۳۶۸ - ۰۹۱۲ ۷۶۶ ۱۲۰۵



@khademolreza

صفحه اینستاگرام

نمایش تصاویر، معرفی کتابها و مطالب مرتبط با انتشارات



khademolreza.com

فروشگاه مجازی با امکان خرید محصولات و بهره مندی از تخفیف ویژه



@khademolreza

کانال سروش

اطلاع رسانی آخرین اخبار و تازه های نشر



۳۰۰۰۱۹۱۹۶۰

سماطه پیامکی

عضویت در بانکگه مخاطبین با ارسال عدد ۱۱۲



فهرست مطالب

- دبیاچه ۱۵
- تنظیم و ترتیب شرح ۱۷
- یادی از یاری که رفیق ۱۹

www.ketab.ir

مباحث مقدماتی

- سالشمار زندگانی امام سجاده علیه السلام ۲۳
- میراث مکتوب و ماندگار ۳۰
- الف. آثار گردآوری شده ۳۰
- بلاغه الامام علی بن الحسین علیه السلام ۳۱
- مُسند الامام السجاده علیه السلام ۳۲
- ب. آثار مکتوب و مستقل ۳۳
- صحیفه‌ی کامله‌ی سجّادیه ۳۳
- در ادامه‌ی صحیفه‌ی سجّادیه ۳۴
- برگ‌هایی از کتابنامه‌ی صحیفه‌ی سجّادیه ۳۵
- قرآن صاعد ۳۸
- اشارتی به سه مثال از صحیفه ۳۹

- ۴۰..... ۱. دعای مکارمُ الاخلاق.....
- ۴۷..... ۲. دعای ابو حمزه‌ی ثمالی.....
- ۴۸..... ۳. مناجات خمسه عشر.....
- ۵۰..... صحیفه‌ی سجّادیه و نسبت آن با رساله‌ی حقوق.....
- ۵۲..... روایت رشادت.....
- ۵۴..... متن خطبه‌ی امام سجّاد علیه السلام در مسجد دمشق.....
- ۵۶..... ترجمه‌ی خطبه.....

فصل دوّم

سند؛ متن و ترجمه‌ی رساله / ۶۱

- ۶۳..... سند شناسی رساله.....
- ۶۴..... روایت شیخ صدوق؛.....
- ۶۵..... روایت نجاشی.....
- ۶۵..... روایت ثقة الاسلام کلینی.....
- ۶۶..... روایت ابن شعبه‌ی حرّانی.....
- ۶۷..... کتاب شناسی رساله.....
- ۶۷..... الف. آثار مُشتمل.....
- ۷۰..... ب. آثار مستقل.....
- ۷۱..... روایت رساله.....
- ۷۳..... متن رساله‌ی حقوق.....
- ۷۶..... ثمّ حقوق الأفعال.....
- ۷۷..... ثمّ حقوق الأئمة.....
- ۷۸..... ثمّ حقوق الرعيّة.....
- ۷۹..... و أمّا حقّ الرّحم.....
- ۸۶..... ترجمه‌ی رساله.....

- ۹۰..... سپس حقوق کردارها (اعمال عبادی).
- ۹۲..... سپس حقوق پیشوایان.
- ۹۳..... سپس حقوق زیردستان.
- ۹۵..... و اما حقوق خویشاوندی.
- ۱۰۷..... گامی به سوی ترجمه‌ی منظوم.
- ۱۰۸..... اشاره به بعضی از حقوق.
- ۱۰۸..... حق فرزندان.
- ۱۰۹..... حق زن بر مرد.
- ۱۰۹..... حق مرد بر زن.
- ۱۱۰..... حق نوعیت و بملای

فصل سوم
تفصیل و تفسیر رساله / ۱۱۳

- ۱۱۵..... فهرستی از حقوق.
- ۱۱۵..... الف. پنجاه حقوق عنوان شده در رساله.
- ۱۱۷..... ب. برخی دیگر از حقوق نهفته در رساله.
- ۱۱۷..... ج. باب حقوق باز است.
- ۱۱۹..... انواع و اقسام حقوق.

فصل چهارم

«حقُّ الله» و فلسفه‌ی حقوق بشر در اسلام / ۱۲۱

- ۱۲۳..... حکمت حقُّ النَّاسِ.
- ۱۲۸..... ۱. حقُّ الله (اولین و بزرگ‌ترین حق).
- ۱۳۰..... توحید حق و حق توحید.

فصل پنجم

حَقِّ جان (حقوق اعضا و جوارح انسان) / ۱۳۳

۱۳۵	امانت‌داری از امانت‌های الهی
۱۳۵	۲. حَقِّ جان
۱۳۶	۳. حَقِّ زبان
۱۴۰	داستانی از لؤلؤ و مرجان
۱۴۱	اصل صداقت
۱۴۴	۴. حَقِّ گوش
۱۴۵	۵. حَقِّ چشم
۱۴۶	۶. حَقِّ پا
۱۴۷	۷. حَقِّ دست
۱۴۸	۸. حَقِّ شکم
۱۵۲	۹. حَقِّ غریزه‌ی جنسی
۱۵۳	حکایتی در حَقِّ حضرت یوسف <small>علیه السلام</small>

فصل ششم

حقوق اعمال عبادی / ۱۵۷

۱۵۹	مقدمه
۱۶۰	۱۰. حَقِّ نماز
۱۶۱	حضور قلب در نماز
۱۶۴	عبادت عاشقانه
۱۶۷	۱۱. حَقِّ روزه
۱۷۰	۱۲. حَقِّ صدقه
۱۷۱	۱۳. حَقِّ قربانی

فصل هفتم

حقوق پیشوایان (مدیران، معلمان و مربیان، مالکان) / ۱۷۵

- ۱۷۷..... دیباچه‌ی فصل.....
- ۱۷۹..... ۱۴. حقّ مدیر.....
- ۱۸۵..... ۱۵. حقّ معلّم.....
- ۱۸۷..... دانش از دیدگاه دین.....
- ۱۸۸..... ۱. فراتر از هر فریضه.....
- ۱۸۹..... ۲. گمشده‌ی انسان مؤمن.....
- ۱۹۰..... ۳. داناترین مردم.....
- ۱۹۱..... ۴. اگر مردم می‌دانستند.....
- ۱۹۲..... ۵. دانشخواه، حبیب خدا.....
- ۱۹۴..... ۶. کمال دین.....
- ۱۹۵..... ۷. دریای بیکرانه.....
- ۱۹۶..... ۸. اسلام زنده.....
- ۱۹۶..... ۹. زندگی مبارک.....
- ۱۹۷..... ۱۰. جهل، گناه مضاعف.....
- ۱۹۸..... ۱۱. علم و عبادت.....
- ۱۹۹..... ۱۲. فراتر از هر فضیلت.....
- ۲۰۰..... ۱۳. اساس هر نیکی.....
- ۲۰۱..... ۱۴. برتر از خون شهید.....
- ۲۰۲..... ۱۵. گنج گرانسنگ.....
- ۲۰۳..... ۱۶. سرچشمه فضیلت.....
- ۲۰۴..... ۱۷. روح زندگی.....
- ۲۰۴..... ۱۸. دانش و جوانی.....
- ۲۰۵..... ۱۹. دانش و اندیشه.....

۲۰۶. دانش و جهل و غفلت ۲۰۶
۲۰۸. نتیجه نادانی ۲۰۸
۲۰۹. اختلافی که رحمت است ۲۰۹
۲۱۰. کیمیای حقیقی ۲۱۰
۲۱۱. رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۱۱
۲۱۲. سرمایه برتر ۲۱۲
۲۱۳. مسلمان خردمند ۲۱۳
۲۱۴. امانت الهی ۲۱۴
۲۱۵. پرسش، کلید دانش ۲۱۵
۲۱۶. مثل آب برای همه ۲۱۶
۲۱۷. برترین دانش ۲۱۷
۲۱۸. نهایت نادانی ۲۱۸
۲۱۹. دانش و اخلاق ۲۱۹
۲۲۰. دانش، قلب ایمان ۲۲۰
۲۲۱. مسؤولیت ۲۲۱
۲۲۲. احیای امامت ۲۲۲
۲۲۳. عجب، ضد علم ۲۲۳
۲۲۵. خیر دنیا و آخرت ۲۲۵
۲۲۶. مذاکره علم ۲۲۶
۲۲۷. علوم فطری و اکتسابی ۲۲۷
۲۲۸. عالم متهتک و جاهل متنسک ۲۲۸
۲۲۹. حق مالک ۱۶

فصل هشتم

حقوق زبردستان (ملت و مردمان؛ شاگردان و همسران) / ۲۳۱

حقوق رعایا ۲۳۳

۱۷. حقوق ملت و مردمان ۲۳۴
- حقّ اوّل. عدالت و دادگری ۲۳۶
- حقّ دوّم: رأفت و مهربانی ۲۴۵
- حقّ سوّم: عفو و گذشت ۲۴۶
- حقّ چهارم: فرصت جبران و بازگشت ۲۴۷
- و هشدارى حسّاس ۲۴۷
۱۸. حقوق شاگردان (دانش آموزان و دانشجویان) ۲۴۸
۱۹. حقوق زنان و همسران ۲۵۰
- یادی از زنان نمونه در تاریخ ۲۵۴
- روایتی زیبا از عشق رضی ماوفا ۲۵۸
۲۰. حقوق بردگان و خدمتگزاران ۲۵۹
- تذکری زیبا و ضروری ۲۶۰

فصل نهم

حقوق خویشاوندان (حقّ مادر، پدر، فرزند، برادر و خواهر) / ۲۶۱

- مقدمه ۲۶۳
۲۱. حقّ مادر ۲۶۳
۲۲. حقّ پدر ۲۶۹
۲۳. حقّ فرزند ۲۷۲
- حقّ اوّل: مهر و محبّت ۲۷۲
- حقّ دوّم: تعلیم و تربیت ۲۷۵
- حقّ سوّم: هدایت و راه‌نمایی ۲۷۷
- حقّ چهارم: یاری و همکاری ۲۷۷
- أسوه‌های تربیت ۲۷۸
۲۴. حقّ برادر و خواهر ۲۸۲

سه نمونه کامل از برادری ۲۸۳

فصل دهم

حقّ آزادی (حقّ حرّیت و بیداری و پیشنمازی) / ۲۸۷

- ۲۸۹ ۲۵. حقّ آزادی (۱)
- ۲۹۰ ۲۶. حقّ آزادی (۲)
- ۲۹۲ ۲۷. حقّ احسان کننده
- ۲۹۴ ۲۸. حقّ مؤدّن
- ۲۹۶ ۲۹. حقّ پیشنماز

فصل یازدهم

آداب معاشرت (حقوق هم‌نوعان و هم‌کاران) / ۲۹۹

- ۳۰۱ ۳۰. حقّ همنشین
- ۳۰۴ ۳۱. حقّ همسایه
- ۳۰۸ حدیثی در حدّ و حدود همسایه
- ۳۰۹ ۳۲. حقّ هم‌صحبت
- ۳۱۰ در انتخاب دوست
- ۳۱۱ ۳۳. حقّ شریک و همکار
- ۳۱۵ ۳۴. حقّ سرمایه
- ۳۱۹ ۳۵. حقّ طلبکار
- ۳۲۰ ۳۶. حقّ معاشر

فصل دوازدهم

حقوق دشمنان و رایزنان و بیدارگران / ۳۲۳

- ۳۲۵ ۳۷. حقّ دشمنی که شاکی است

۳۲۷	۳۸. حقّ دشمنی که تو از او شکایت داری
۳۲۹	۳۹. حقّ مُستشیر (کسی که با تو مشورت می‌کند)
۳۳۱	۴۰. حقّ مشاور
۳۳۳	۴۱. حقّ اندرزجو
۳۳۵	۴۲. حقّ اندرزگو

فصل سیزدهم

حقوق سالمندان، خُردسالان، سائلان و مسئولان / ۳۳۷

۳۳۹	۴۳. حقوق سالمندان
۳۴۱	۴۴. حقوق خُردسالان
۳۴۲	۱. محبّت و مهربانی
۳۴۲	۲. تعلیم و تربیت
۳۴۳	۳. عفو و چشم‌پوشی
۳۴۳	۴. مدارا و سازش
۳۴۴	۴۵. حقّ سائل
۳۴۶	داستانی چند در حقّ سائل
۳۵۱	۴۶. حقّ مسئول

فصل چهاردهم

حقوق نکوکاران، هم‌کیشان و هم‌پیمانان / ۳۵۳

۳۵۵	۴۷. حقّ نکوکاران (شادسازان)
۳۵۹	۴۸. حقوق بدبیاران
۳۶۱	۴۹. حقوق هم‌کیشان
۳۶۹	۵۰. حقوق هم‌پیمانان

- رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام با اقلیت‌های مذهبی ۳۷۱
 خاتمه ۳۷۵

فصل پانزدهم

پیوست‌ها / ۳۷۷

- متن اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ ۳۷۹
 دیباچه ۳۷۹
 مجمع عمومی ۳۸۰
 اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۳۸۷
 متن اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۳۸۷
 فهرست منابع ۳۹۸

www.ketab.ir

پس از پیام آوران خدا، وارثان و جانشینانِ راستین آن‌ها، یعنی پیشوایان پاک و معصوم شیعیان، انسان‌های بزرگ و بزرگواری بودند که همیشه با اخلاق کریمانه و رفتار جوانمردانه‌ی خویش در تربیت و تکامل انسان‌ها می‌کوشیدند. وجود مبارک‌شان از مهر و محبت به اولاد آدم آکنده بود. هرگز کینه‌ی کسی را به دل نمی‌گرفتند که کینه و کینه‌توزی را مساوی با کفر و کفران می‌دانستند و می‌گفتند:

«هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ»؛ «مگر نه این است که دین، همان مهرورزی

است؟»^۱

رفتارشان با تک‌تک مسلمانان از هر نژاد و قبیله‌ای که بودند و با هر مذهب و عقیده‌ای که داشتند از پدر و مادرِ رئوف و رحیم هم دلسوزانه‌تر و مهربان‌تر بود. در

برابر حکومت‌ها و دولت‌هایی که می‌خواستند قرآن را طبق دلخواه خودشان تأویل و تحریف کنند با تمام وجود می‌ایستادند و به قلب‌های قابل و عقل‌های حاضر، نور و روشنایی می‌بخشیدند تا فریب ریاکاران و وعاظ‌السلطین را نخورند.

آنان به معنای صحیح کلمه، حافظان قرآن و آموزگاران ایمان و اخلاص بودند. هدایت‌گرانی بودند که هرگز از هدایت کسی - هر چند که بدکار و بدذات نماید - ناامید نمی‌شدند، بلکه همه را در هر شرایطی در خور هدایت می‌دانستند و راه‌های بازگشت و توبه را به روی سرسخت‌ترین دشمنان نیز می‌گشودند، زیرا که آن بزرگواران نه کسی را دشمن خویش می‌دانستند و نه هرگز انسانی را - هر چند هم مسخ شده باشد - بدذات و غیر قابل تربیت می‌انگاشتند. دل‌شان به هر انسانی بما هو انسان می‌سوخت و زبان حال‌شان چنان بود که شاعری گوید:

با زمین‌گیری سینه‌تر گرم رفتاریم ما

همچو مرکز پای برجاییم و ستاریم ما

سنگ راه هیچ‌کس از خاکستری نیستیم

زیر پای هنوردان راه همواریم ما

با هزاران چشم می‌جویم عیب خویش را

چون رسد نوبت به عیب خلق، ستاریم ما

هر که پا کج می‌گذارد ما دل خود می‌خوریم

شیشه ناموس عالم در بغل داریم ما

پس از فاجعه‌ی غمبار و جان‌گداز عاشورا، هر که از راه می‌رسید داعیه‌ی

خونخواهی امام حسین علیه السلام و یارانش را در سر داشت که سلیمان بن سرد خزاعی و

مختار بن ابی عبیده‌ی ثقفی دو نمونه‌ی معروف از آنهاست و برخی را باور چنان بود

که به بهانه‌ی خونخواهی امام حسین علیه السلام می‌توان شیعیان و بسیاری از مسلمانان را

گردد هم آورد تا قدرت و حکومتی به دست زد. اما فرزندان و جانشین به حق امام

حسین علیه السلام یعنی حضرت سیدالسادین و زین‌العابدین علیه السلام، دین را بی‌نیاز از زر و زور،

نه برای حکمرانی و فرمانروایی که به دور از هر دبدبه و کبکبه، برای تربیت و اخلاق و محبت به انسان‌ها می‌خواست. اگر دیگران پس از فاجعه‌ی کربلا، پرچم انتقام برمی‌افراشتند و دسته دسته انسان‌ها را به جان هم می‌انداختند، او خانه و کاشانه‌ی خود را مدرسه و مکتبِ مکارم‌الاخلاق ساخته بود که مکارم‌الاخلاق در تضاد با قصاص و انتقام است.^۱ و اگر دیگران به بهانه‌ی فاجعه‌ی عاشورا، علم کینه‌توزی به پا کرده بودند، او با املا‌ی رساله‌ی شریف حقوق به شاگردان و شیعیانش - رساله‌ای که این نوشتار به لطف خدا به شرح و تفسیر آن می‌پردازد - سخن از «حقّ الخصم = حقوق دشمن» می‌گفت^۲ و به انسان‌ها در آن شرایط بسیار آشفته و بحرانی، حقوق بشر می‌آموخت و با کتاب بزرگش صحیفه‌ی سجّادیه، همیشه و در همه جا و برای همگان - حتی برای مرزبانان در حکومت ستمگران^۳ - دعا می‌خواند چرا که کینه‌کشی و هرج و مرج را بدتر از هر بدی می‌دانست. دین و دینداری را نه در میدان جنگ و دعوا، بلکه در سایه‌ی معنویت و دعا، فایز بر مید و بالندگی می‌دید. برای همین هرگز دم از دعوا و انتقام نمی‌زد بلکه پیوسته، پاک و صمیمی دعا می‌خواند؛ باز هم دعا می‌خواند تا مردم را به معنویت و نوع‌دوستی و محبت و عفو و عشق فرا خواند. از عرش می‌ستاند بر فرش می‌نشانند.

تنظیم و ترتیب شرح

این شرح در پانزده فصل، به ترتیبی که متن رساله دارد از پنجاه حق و حقوق سخن می‌گوید که در آن حقّ الله و حقّ النَّاس - یعنی حقوق بشر - همسو با هم در فضایی کاملاً معنوی و تربیتی بیان شده است. و ما برای این که تا حدودی بتوانیم این فضای معنوی را از پیش نشان داده باشیم نخست در فصلی که آن را «مباحث مقدماتی»

۱. پس از این به زودی در فصل اول همین کتاب، مکارم‌الاخلاق را به روایت از امامان معصوم علیهم‌السلام توضیح خواهیم داد.

۲. ر.ک: به فصل دوازدهم همین شرح: حقوق دشمنان، حقّی شماره ۳۷ و ۳۸.

۳. ر.ک: صحیفه سجّادیه، ص ۱۱۴، ترجمه مبشری، دعای ۲۷: «دعائه لأهل الثغور».

نامیده‌ایم از «سالشمار زندگانی» و «میراث مکتوب و ماندگار امام سجّاد (ع)» سخن گفته‌ایم که شامل صحیفه‌ی سجّادیه و مستدرکات آن و نیز نسبت صحیفه‌ی سجّادیه با رساله‌ی حقوق و خطبه‌ی آن حضرت در مسجد جامع دمشق می‌شود.

در فصل دوّم نیز سخن از «سند؛ متن و ترجمه‌ی رساله» گفته شده که مباحثی چون «سندشناسی»؛ «متن پژوهی» با گزارشی از روایت‌های مختلف رساله و کتاب‌شناسی آن را در بر می‌گیرد.

در فصل سوّم هم با به دست دادن فهرستی از حقوق و انواع و اقسام حقوق به اجمال از تفصیل و تفسیر رساله سخن به میان آمده است.

در فصل چهارم از اولویّت حقّ الله و فلسفه‌ی حقوق بشر در اسلام؛ یعنی «حکمت حقّ الناس» به اختصار سخن گفته‌ایم.

در فصل پنجم که «حقّ جان» نامیده شده از حقوق اعضا و جوارح انسان سخن رفته است.

فصل ششم در خصوص «حقوق احوال عبادی» است که حقّ نماز، روزه، صدقه و قربانی را شامل می‌شود.

از فصل هفتم سخن از حقوق بشر - یعنی حقّ الناس - شروع می‌شود که تا آخر رساله (تا فصل پانزدهم) ادامه دارد. به عبارت دیگر فصل هفتم با عنوان «حقوق پیشوایان» از حقّ مدیران؛ معلّمان و مربّیان به تفصیل سخن می‌گوید.

فصل هشتم که «حقوق زیردستان» نام دارد به حقّ ملّت و مردمان؛ شاگردان؛ همسران و زنان می‌پردازد و در ضمن آن به تفصیل از اهمیّت عدالت و انصاف سخن می‌رود.

فصل نهم به حقوق خویشاوندان می‌پردازد که حقّ مادر، پدر، فرزند، برادر و خواهر را در بر می‌گیرد.

فصل دهم را «حقّ آزادی» نامیده‌ایم که از حقّ حرّیت، بیداری و پیشنمازی سخن می‌گوید.

فصل یازدهم را «آداب معاشرت» خوانده‌ایم که از حقوق هم‌نوعان و هم‌کاران بحث می‌کند.

فصل دوازدهم پیرامون حقوق دشمنان و رایزنان و بیدارگران (اندرزجویان و اندرزگویان) سخن‌ها دارد.

فصل سیزدهم نیز بحث از حقوق سالمندان، خردسالان و کودکان، سائلان و مسئولان (کسانی که از آنان چیزی خواسته می‌شود) را در بر دارد.

در نهایت فصل چهاردهم است که به حقوق نیکوکاران، هم‌کیشان و هم‌پیمانان (ذمیان و اقلیت‌های مذهبی) می‌پردازد.

فصل پانزدهم، فصل پایانی است که «متن اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» و «متن اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر» را به پیوست دارد.

یادی از یاری که رفت

آنان که می‌نویسند خوب می‌دانند که نوشتن بیش از حد کوششی باشد جوششی است و نویسندگی نشاط خاص خود را می‌خواهد تا متنی مطرب و جذّاب از آب درآید و هنگامی که زمین و زمان دست به هم می‌دهند تا نویسنده‌ای مستقل و آزاداندیش را در حصار حادثه‌ها و فوج فاجعه‌ها مچاله کنند یک ناشر هم‌دل و همفکر می‌تواند فرشته‌ی نجاتِ نویسنده باشد و به نوعی از رنج‌های روزانه‌ی وی بکاهد و ذوق او را برای نوشتن به سر شوق بیاورد. خدایش بیامرزاد حاج حسین شفیعی را که برای راقم این سطور چنان نقش نجات بخشی را داشت. او در مکتب مرجعی مصلح و روشنفکر و دوران‌دیش تربیت یافته بود به همین دلیل «عالم به زمان خود» بود و روزگاری را که در آن می‌زیست به خوبی می‌شناخت. همیشه از حق‌کشی‌ها رنج می‌برد و از درد دردمندان غصّه می‌خورد. خُلق و خوبی کریمانه داشت و لطفش دوست و دشمن را می‌نواخت.

خلاصه‌ی سخن این که بیش از حد معمول، خوب بود. شاید هم همین کمالِ کیمیا

مانندش او را روانه‌ی سفری بی‌بازگشت ساخت تا به دیار باقی شتافت آن هم با مرگی بسیار سهل و ساده که به خوابی کوتاه می‌مانست تا به رویایی ابدی پیوست. از سرای خاکی گسست و در جهانی جاودانه نشست. ما را تنها گذاشت و قلب‌مان را در آتش فراقش گذاخت و ما را برای همیشه با یاد مهربانی‌هایش همدم ساخت.

فراموشش نخواهم کرد یاری را که یاری کرد
همان یاری که چون ابری دلم را آبیاری کرد

محمد صحتی سردرودی

۹۰/۱/۲۸ قم

www.ketab.ir